

مقابله با شیطان و شیطان پرستی از دیدگاه قرآن

نویسنده:

هادی امدادی فرد



انتشارات دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران

زمستان ۱۳۹۵

سرشناسه	: امدادی فرد، هادی، ۱۳۵۷-
عنوان و نام پدید آور	: مقابله با شیطان و شیطان پرستی از دیدگاه قرآن/هادی امدادی فرد
مشخصات نشر	: تهران-ارتش جمهوری اسلامی ایران- دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا- انتشارات دافوس آجا، ۱۳۹۵
مشخصات ظاهری	: ۳۱۶ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۶۳-۳۶-۷
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه:ص. ۲۹۹.
موضوع	: شیطان پرستی
موضوع	: شیطان — جنبه های قرآنی
موضوع	: شیطان
شناسه افزوده	: ایران، ارتش. دانشکده فرماندهی و ستاد. انتشارات دافوس
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۵ الف ۸ / ۱۵۹ BP
رده بندی دیویی	: ۲۰۷/۱۰۹
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۲۳۴۸

عنوان: مقابله با شیطان و شیطان پرستی از دیدگاه قرآن

مؤلف: هادی امدادی فرد

ویراستار: حسین مومنی فرد

ناظر چاپ: سامان آزاد

طرح روی جلد: علیرضا قانع

صفحه آرای: سعید واحدیان

ناشر: انتشارات دافوس آجا

شمارگان: ۱۰۰۰

تعداد صفحه: ۳۱۶ص

تاریخ نشر: زمستان ۱۳۹۵

چاپ اول

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه مدیریت انتشارات دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا

قیمت: ۰۰۰۰ ریال

نشانی: تهران، میدان پاستور، خیابان دانشگاه جنگ، دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا، انتشارات دافوس

تلفن: ۰۲۱ - ۶۶۴۱۴۱۹۱

www.dafoosaja.ac.ir

مسئولیت صحت مطالب بر عهده مؤلفین می باشد.

کلیه حقوق برای دافوس آجا محفوظ است. (نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است)

سیاسگزاری:	۱۳
پیش درآمد:	۱۴
فصل اول:	۲۵
پیشینه شیطان و شیطانپرستی:	۲۵
مقدمه:	۲۵
الف) تاریخ واژگان کلیدی:	۲۷
شیطان:	۲۷
ابلیس:	۲۹
شیطانپرستی:	۳۰
ب) معنی کلمه شیطان و مشتقات آن به انگلیسی:	۳۲
پ) پیشینه شیطانپرستی:	۳۲
۱) شیطانپرستی بدوی:	۳۳
۲) شیطانپرستی قرون وسطا:	۳۴
۳) شیطان پرستی مدرن:	۳۵
ت) مبانی نظری شیطان و شیطانپرستی:	۳۷
ث) مفاهیم:	۴۰
مفهوم شیطان و شیطانپرستی:	۴۰
۱) دیدگاه اسلام:	۴۰
۲) ادیان:	۴۰
۳) دیدگاه یهود:	۴۰
۴- دیدگاه مسیحیت:	۴۱
۵- دیدگاه آباواشی:	۴۱
ج) مباحث نظری پیرامون فرقه‌های جدید و شیطانپرستی:	۴۱
۱) نظریه جنگ خاموش شرق و غرب:	۴۲
۲) نظریه پلورالیزم:	۴۲
۳) تئوری توطئه:	۴۳
۴) نظریه تنوعطلبی و هیجانخواهی:	۴۳
۵) نظریه ازدواج تمته:	۴۳
۶) نظریه ریتما:	۴۴

چ) علل گرایش بشر امروزی به نحله‌های فاسد و عرفانهای کاذب نوظهور:..... ۴۴

۱) معنویت گرایی فطری انسان..... ۴۴

۲) دل‌آزردگی از ماذه‌گرایی و سرخوردگی از عقلانیت و علم مدرن:..... ۴۵

۳) اثبات نادرستی فلسفه‌های معنویت ستیز:..... ۴۵

۴) شکست نظامهای معنویت ستیز:..... ۴۶

۵) برنامه‌های نظامی و اطلاعاتی:..... ۴۶

۶) ناکامی ادیان کهن در جلب اقبال معنویت خواهان:..... ۴۶

۷) افزایش تحقیر بشر به واسطه ناتوانی در نتیجه خرق عادات:..... ۴۷

۸) ترس از آینده:..... ۴۷

۹) افزایش تنوع طلبی:..... ۴۷

۱۰) بیعدالتی جنس:..... ۴۸

۱۱) انگیزه فرد، رهبرن فقه در سوءاستفاده از احساسات دینی:..... ۴۸

۱۲) بسترهای مساعد اجتماعی:..... ۴۸

ح) انواع شیطانپرستی از نظر ایدئولوژی:..... ۴۹

۱۳) شیطان پرستی فلسفی:..... ۴۹

۱) شیطان پرستی دینی:..... ۵۰

۲) شیطانپرستی گوتیک:..... ۵۱

۳) شیطانپرستی آتیه ایستیک:..... ۵۲

خ) مهمترین اصول شیطانپرستی:..... ۵۲

د) اصول عقیدتی کلیسای شیطان:..... ۵۵

ذ) گناههای شیطانی:..... ۵۶

ر) دستورهای شیطانی:..... ۵۹

ز) جهانبینی و ایدئولوژی شیطانپرستی-گرایی:..... ۶۰

ژ) آداب و رسوم شیطانپرستان:..... ۶۵

س) کتاب انجیل و کلیسای شیطانی:..... ۶۶

ش) نمادسازی در حوزه فرهنگ عمومی با هدف القای ایدئولوژی شیطانی:..... ۶۸

ص) ریشه های شیطانگرایی در عرفان یهود:..... ۶۹

ض) صهیونیسم و شیطانپرستی:..... ۷۰

فصل دوم:..... ۷۱

ابزار کید شیطان از نگاه قرآن:..... ۷۱

۷۴	ب) ابزار و دامهای شیطان:
۷۴	۱) اختلاف و تفرقه:
۷۷	۲) خمر، میسر، انصاب و ازالام:
۸۲	۳) افترا بستن به خدا و بدعت‌گذاری با انکار بر تقلید جاهلانه و گام به گام:
۸۳	۴) افساد و اخلاگری در روابط انسانی:
۸۷	۵) ایجاد آرزوی فریکارانه:
۸۹	۶) اسراف و تبذیر، کاری شیطانی:
۹۲	۷) جدال جاهلانه برای انکار خدا، روشی شیطانی:
۹۵	۸) مال خرافی، ابزار شیطان برای گمراه کردن بندگان خدا:
۹۸	۹) ایجاد ترس، از شگردهای شیطان برای جلوگیری از شرکت در جهاد:
۱۰۰	۱۰) سمنی و کینه‌توزی بین انسانها، از ابزار شیطان:
۱۰۱	۱۱) ایجاد شک و شبهه در معاد، ابزار اغواگری شیطان:
۱۰۳	۱۲) طاعت و طاعت:
۱۰۷	۱۳) فحشا و زشتی، ابزار شیطان برای انحراف آدمیان:
۱۰۸	۱۴) فراموشی:
۱۱۱	۱۵) گفتار فریبنده، ابزار شیطان برای مایل به دعوت انبیاء:
۱۱۴	۱۶) گفتار ناپسند، وسیله شیطان برای ایجاد کینه اختلاف:
۱۱۶	۱۷) گناه، وسیله‌ای شیطانی برای ترک:
۱۱۹	۱۸) نجا، وسیله‌ای از سوی شیطان برای اذیت و ناراحت کردن مؤمنان:
۱۲۲	۱۹) برنامه تبلیغاتی، استفاده از نیروی نظامی، مشایق، اموال و اولاد:
۱۲۳	۲۰) هجوم در وقت احتضار:
۱۲۳	۲۱) دزدی ایمان و خراب کردن عمل:
۱۲۳	۲۲) آتش غضب (آتش شیطان):
۱۲۴	۲۳) تیرهای شیطان:
۱۲۶	۲۴) دوستی دنیا به عنوان مهمترین زنجیر شیطان:
۱۲۶	۲۵) کابینه شیطان:
۱۲۹	۲۶) بازار دنیا: خانه شیطان:
۱۲۹	۲۷) قلب کاهنان و جادوگران، فرودگاه شیطان:
۱۳۰	۲۸) ذهن تسلیها و تن پروران کارگاه شیطان:
۱۳۰	۲۹) جهل و خوش باوری، سادگی و بی‌تعللی خاستگاه شیطان:
۱۳۳	۳۰) تجارت شیطان:
۱۳۳	۳۱) مطربان و نوازندگان: اذان گویان شیطان:

۱۳۳	 (۳۲) قماربازان بیغیرت؛ شریکان شیطان:
۱۳۳	 (۳۳) شکنجه‌گران اجیر شده؛ علمداران شیطان:
۱۳۳	 (۳۴) ساحران و جادوگران؛ شاگردان شیطان:
۱۳۳	 (۳۵) طبل؛ ابزاری برای ترک سریع نمازگزاران از مسجد:
۱۳۴	 (۳۶) اعمال شیطان:
۱۳۷	 فصل سوم:
۱۳۷	 آثار و پیامد پیروی از شیطان از نگاه قرآن:
۱۳۷	 الف) آبرو، مد پیروی از شیطان از نگاه قرآن:
۱۳۷	 (۱) ایجاد اختلاف و تفرقه:
۱۳۷	 (۲) شاعه فحشا، بازی، خبیثیت مؤمنان:
۱۳۷	 (۳) افترا بستن به خدا، باطل‌سنگی و تحریف احکام:
۱۳۷	 (۴) پخش شایعات و افشای اخبار امنیتی:
۱۳۹	 (۵) بی‌تقوایی، آبروریزی و بر لایق شدن بهای انسان:
۱۴۳	 (۶) تحریم نعمتها و امکانات زمین، خویشاوندی:
۱۴۶	 (۷) خودداری از خوردن گوشت حلال چهارپایان:
۱۴۶	 (۸) خذلان، خواری و بی‌یاوری انسان:
۱۴۹	 (۹) خسران و زیانکاری:
۱۵۳	 (۱۰) مایه خشم خدا:
۱۵۵	 (۱۱) خوردن ذبیحه غیرشرعی و غیرمذگی:
۱۵۶	 (۱۲) پیدایش دشمنی و کینه بین مؤمنان:
۱۵۶	 (۱۳) ریاکاری:
۱۵۷	 (۱۴) اطاعت از شیطان، دربی‌دارنده سرزنش و توبیخ:
۱۵۹	 (۱۵) شرک:
۱۶۱	 (۱۶) ظلم به خویشاوندان:
۱۶۱	 (۱۷) فرار از میدان رزم و جهاد:
۱۶۱	 (۱۸) فسق و خروج از دین:
۱۶۱	 (۱۹) کفر به آخرت:
۱۶۲	 (۲۰) کفر به خدا:
۱۶۲	 (۲۱) مایه گمراهی:
۱۶۶	 (۲۲) عامل انحراف آدمی از صراط مستقیم الهی:
۱۶۸	 (۲۳) فرو افتادن در زشتیها و گناهان:

۱۶۸	۲۴) لغزش و انحراف، نتیجه پیروی از شیطان:
۱۶۸	۲۵) مانع تقرب به خدا:
۱۶۹	۲۶) مانع یاد و ذکر خدا:
۱۶۹	۲۷) بازدارنده انسان از برپایی نماز:
۱۶۹	۲۸) موجب پذیرش ولایت او:
۱۷۰	ب) زمینه اطاعت از شیطان:
۱۷۳	ت) سلطه شیطان:
۱۷۴	ث) زمینه‌های سلطه شیطان:
۱۷۵	ج) محدوده سلطه شیطان:
۱۷۵	ح) کیف اطاعت از شیطان:
۱۸۵	خ) بار وسوسه‌های شیطان:
۱۸۹	د) زمینه وسوسه‌های شیطان:
۱۹۱	ذ) ولایت شیطان:
۱۹۸	ر) آثار ولایت شیطان:
۲۰۱	ز) زمینه ولایت شیطان:
۲۰۱	س) همنشینی با شیطان:
۲۰۹	ش) آثار همنشینی با شیطان:
۲۱۰	ص) عوامل همنشینی با شیطان:
۲۱۱	فصل چهارم:
۲۱۱	راههای مقابله با شیطان و شیطان‌پرستی از نگاه قرآن:
۲۱۳	ب) راههای مقابله با شیطان و شیطان‌پرستی از نگاه قرآن:
۲۱۴	۱) دامنه مصونیت از شیطان:
۲۱۴	۱- مصون بودن آسمان، از شرّ هر شیطان:
۲۱۹	۲- مصون بودن مؤمنان متوکل، از شیطان:
۲۲۰	۳) عوامل مصونیت از شیطان:
۲۲۰	۱- شناساندن اسلام:
۲۲۶	۲- استعاذه:
۲۳۱	۳- گفتن بسم الله:
۲۳۱	۴- ایمان به خدا:
۲۳۴	۵- تقوا:

- ۶-توکل: ۲۳۸
- ۷-دعا: ۲۳۹
- ۸-ذکر و یاد خدا: ۲۴۳
- ۹-نماز: ۲۴۵
- ۱۰-روزه درمان بسیاری از بیماریها و مانع وسوسه‌های شیطانی است: ۲۴۶
- ۱۱-استغفار و توبه: ۲۴۶
- ۱۲-خواندن دو سوره معوذتین (فلق و ناس): ۲۴۶
- ۱۳-خواندن آیه الکرسی: ۲۴۷
- ۱۴-خواندن آخر سوره بقره: ۲۴۷
- ۱۵-چشم فرو هشتن: ۲۴۷
- ۱۶-دندان از ریحی و گفتار بیهوده و اختیار سکوت به جای آن: ۲۴۸
- ۱۷-مصور داشتن گوش، از شنیدن باطل: ۲۵۰
- ۱۸-ازدواج دوا: بسیاری از وسوسه‌های شیطانی است: ۲۵۱
- ۱۹-تقویت روابط خانوادگی: ۲۵۱
- ۲۰-ارتباط صمیمی با برادران: ۲۵۳
- ۲۱-شناخت و توجه به مشکلات فیزی و عقیدتی، نسل جوان ۲۵۳
- ۲۲-دشمن شناسی: ۲۵۴
- ۲۳-گفتار نیک: ۲۵۴
- ۲۴-تیسیم و گشاده رویی: ۲۵۵
- ۲۵-اتفاق و بخشش در راه خدا: ۲۵۶
- ۲۶-جهاد در راه خدا: ۲۵۶
- ۲۷-ملازم و همراه شدن با جماعت: ۲۵۷
- ۲۸-محاسبه فرد با نفس خود: ۲۵۸
- ۲۹-شناخت حقیقت و ماهیت دنیا: ۲۵۹
- ۳۰-خلاص عمل: ۲۶۰
- ۳۱-تلاش برای قرار گرفتن در زمره افراد غیر قابل نفوذ شیطان: ۲۶۱
- ۳۲-از دیگر جاهایی که شیطان نمی تواند نفوذ کند: ۲۶۲
- ۳۳-راه های ناراحت کردن شیطان رجیم ۲۶۳
- ۳-موانع اطاعت از شیطان: ۲۶۴
- ۱-ایمان به آخرت: ۲۶۴
- ۲-بهره‌مندی از رحمت خدا (رحمت خاص الهی): ۲۶۵
- ۳-بهره‌مندی از فضل خدا: ۲۶۵
- ۴-توجه به دشمنی شیطان (دشمنی دیرین و آشکار): ۲۶۵

۲۶۷	۵-توجه به صفات خدا مانع اطاعت شیطان:
۲۶۸	۶-توجه به معاد و بازگشت همه چیز به سوی خدا، مانع متابعت از شیطان:
۲۶۸	۷-توفیق الهی:
۲۶۹	۸-رهبری الهی:
۲۶۹	۹-پرهیز از اطاعت شیطان:
۲۷۰	۱۰-آثار پرهیز از اطاعت شیطان:
۲۷۲	۱۱-کیفر اطاعت از شیطان:
۲۷۶	۱۲-محدوده سلطه شیطان:
۲۷۶	۱۳-مبارزه با شیطان:
۲۷۷	۱۴-اعن شیطان:
۲۷۷	۱۵-نهی خداوند، از اطاعت شیطان:
۲۸۰	نتیجه گیری
۲۸۵	الف-خلاص:
۲۸۵	ب- بصیرت:
۲۸۷	پ- صبر و تقوی:
۲۹۱	ج- کمک خواهی از صبر و نماز:
۲۹۱	د- اتحاد و برادری:
۲۹۳	ه- دوستی نکردن با بیگانگان:
۲۹۴	و- مبارزه فرهنگی به وسیله قرآن:
۲۹۵	ز- مجهز شدن به سلاح روز:
۲۹۶	ح- جهاد:
۲۹۹	منابع و مآخذ:

پیش در آمد:

با عنایت به مطالعات و تحقیقات جامعی که از کتب عدیده موجود در زمینه شیطان پرستی (هر کدام به تفکیک) به عمل آمده، به نظر می‌رسد؛ اولاً: تا کنون متناسب با حجمه و نفوذ بسیار گسترده و هدفمند این گروه ضالّه در سراسر جهان به ویژه کشور عزیزمان ایران، پژوهش و تحقیقات جامع از منظر قرآن کریم - به استناد اینکه قرآن تبیان کُلّ شیء است - درباره حقیقت این موجود عجیب به خوبی صورت نگرفته است. در ثانی: پاسخ درخور توجه به این سؤال که؛ چه اموری مانع دین‌پذیری و دین‌گرایی جوانان است و بلکه دین‌گریزی و حتی دین‌ستیزی آنان را سبب شده است؟ به طور اساسی داده نشده است. ضرورت پاسخ، آن‌گاه آشکارتر می‌شود که بدانیم نوجوان و جوان بستری فطری آماده‌تری برای فهم تقویت گرایش‌های دینی دارد.

بنابراین اهمیت و ضمه در این نوشتار، از آن روی، برجسته و کلیدی است، که بدانیم؛ بایستی قبل از پرداختن به راه‌ها، مقابله با شیطان و شیطان‌گرایی از نگاه قرآن کریم، علل و بلکه مجموع‌العلل دین‌گریزی و بلند دین‌ستیزی برخی جوانان و متعاقباً گرایش آنان به نحله فاسد شیطان‌گرایی را مورد بررسی و مداخله قرار دهیم.

به نظر می‌رسد عمده و شاید کلیدی‌ترین سبب تمایل جوانان به فرقه ضالّه شیطان پرستی را باید در آسیب‌های موجود در حوزه تعلیم و تربیت فضای کشورمان، جستجو نماییم که در زیر به برخی از این آسیب‌ها که شامل آسیب‌های اجتماعی، بنایی، آموزشی است، به اختصار و با بهره‌مندی از آیات قرآن کریم و ... اشاره می‌شود.

پژوهش‌های روان‌شناسی رشد، نشان می‌دهد که زمینه گرایش به دین و دین‌داری از نوجوانی آغاز و در جوانی نیز استمرار می‌یابد. برخی از صاحب‌نظران مانند روسو، معتقدند که از ۱۵ تا ۲۰ سالگی علایق مذهبی بر فرد، غلبه دارد.^۱

اشپرانگر که در خصوص تحولات مربوط به بلوغ در اواخر دوره نوجوانی و اوایل جوانی سخن می‌گوید، معتقد است که شکل‌پذیری هدف‌ها و نقشه‌های زندگی در این مرحله را نمی‌توان تنها به انتخاب حرفه محدود دانست؛ بلکه فهم فلسفه زندگی و توجه به آینده، در آن دخیل است.^۲

^۱ گیدنز، جامعه‌شناسی، ترجمه: صبوری، ۱۳۷۴ش

^۲ شرفی محمدرضا، دنیای نوجوان، ص ۱۹۸، ۱۳۷۰ش

همین گرایش فطری به دین است که غرب را پس از طی دوران طولانی دین‌گریزی به تأستف واداشته و به حرکتی جدید به سوی دین‌گرایی سوق داده است، تا آن‌جا که امروزه، بسیاری از فرهیختگان غیرمسلمان غربی به معنویت روی آورده و راه نجات جوانان خود از مهلکه سقوط در نخله‌های فاسد را در پرتو گرایش به دین اسلام می‌بینند. بنابراین هم از نظر شناختی، زمینه دین‌کاوی در جوان وجود دارد، هم از نظر عاطفی و هیجانی برای درک لذات معنوی و ارتباطات روحانی، آمادگی دارد.^۱

با توجه به چنین زمینه روان‌شناختی، اگر جوان عدم علاقه به فهم دین یا فقدان اراده جدی به عمل به آن را احساس می‌کند، لازم است درخود تأمل کرده و به جستجوی عوامل آن پردازد. بدین ترتیب اگر نسل نو از کلاس‌ها و جلسات دین‌کاوی استقبالی ندارد، دلیل آن را باید در نظام تعلیم و تربیت جویا شد. این معما با شناخت آسیب‌های نظام تعلیم و تربیت دینی برآی شده می‌شود. تحقق اهداف تعلیم و تربیت دینی به حجم گسترده کار نیاز دارد؛ اما جایگاه ما در این زمینه؛ فعالیت‌های اندک و نیروهای قلیلی را شاهد است. این امر با توجه به گستره فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی دشمنان اسلام در لایه‌های متعدد و به شیوه‌های پرشمار، اعم از مستقیم و غیرمستقیم، یهودیان، صهیونیست‌ها، سایر سیاستمداران سلطه‌طلب سکولار به خوبی روشن می‌شود.

گرچه وضعیت فعلی، ضرورت تعلیم و تربیت دینی را بیش از پیش آشکار می‌سازد، اما دین‌آموزی در داغ بی‌مهری، سوخته و آموزش دینی، هم پیچیدگی‌های خود، بسیار کمتر به تحقیقات آکادمیک درآمده و همین کاستی، آسیب‌هایی را برای دین‌آموزی در پی داشته است. در بسیاری از موارد، آموزش و تربیت دینی نسل جوان بر اساس شیوه‌های صواب نیست و این امر گاه به دین‌گریزی می‌انجامد.

مبنای تعلیم و تربیت؛ نگرش‌های معرفت‌شناختی، جهان‌شناختی، انسان‌شناختی و ارزش‌شناختی است که در علوم دیگر به اثبات رسیده و بیان‌گر امکانات و محدودیت‌های آدمی هستند. بدیهی است که تعلیم و تربیت دینی بدون توجه به این واقعیت‌ها، توانایی‌ها و محدودیت‌ها، نمی‌تواند نتیجه‌بخش باشد. برخی آسیب‌های مبنایی در این عرصه را می‌توان چنین برشمرد:

الف) تک ساحت‌نگری: انسان موجودی دو ساحتی است، او افزون بر جسم، جان دارد و بی‌جان نیست. قرآن در سخن از آفرینش انسان به هر دو اشاره دارد.^۱ و روایات متعددی توجه به مجموع نیازهای جسمی و روانی، معیشتی و فضیلتی، برونی و درونی، را توصیه کرده است.^۲ از لوازم اجتناب از تک‌ساحت‌نگری توجه به پیوند متقابل جسم و جان است. وضعیت فیزیولوژیک در احوالات روان تأثیر دارد، آرامش و اضطراب روان نیز بر اندام احشاء اثر می‌گذارند، اذعان به این حقیقت، ما را در شناخت چگونگی این ارتباط و نحوه تعامل آن‌ها در تعلیم و تربیت و پاس داشت قواعد لازم وامی‌دارد.

ب) غایت‌نگری ابزار: انسان‌شناسی الهی، عیان می‌سازد که کمال آدمی در پرتو تکامل روحانی و کسب صفت برتبی انسانی آشکار می‌شود. چنانکه دریافت روح، او را شایسته سجده ملائکه می‌سازد. از تردید عنیت یافتن خواست‌های مادی و حیوانی را نباید کمال انسانی شمرد، چرا که شکر بی‌آن‌ها به معنای تکامل بعد حیوانی، انسان است. هرگاه روان فناپذیر او شکوفا شود و به کمال اذت بی‌پایان، ناب و بدون محدودیت و مزاحم، دست یابد، انسانیت او به فعلیت رسید. انسان با توجه به تعالی برتری روح، توجه به بدن تا آن جا لازم است که ابزاری برای کسب درجات برتبی انسانی باشد. در غیر این صورت اگر تعلیم و تربیت به جوان، برتری جان نیاموزد، و فراسوی جانان حرکت ندهد، از مبنای خویش دست کشیده است.^۳

۱ السجده: الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ (۷) ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سَلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مُهِينٍ (۸) ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِيهِ (۹)

۲ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱، ص: ۱۴۵ / تحف العقول، ص ۴۰۹

۳ ص: فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقُولُ لَهُ سَاجِدٌ لِي (۷۲) / المؤمنون: ... ثُمَّ أَنشَأْنَا خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ (۱۴)

۴ آل عمران: زَيْنَ لِلنَّاسِ خُبِّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْخَرْبِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَتَابِ (۱۴) وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لُغْوٌ مَرُّ الْغُرُورِ (۱۸۵) القصص: وَمَا أَوْفَيْتُمْ مِنْ شَيْءٍ مَنَعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَبُّهَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۶۰)

ج) **ضعف منزلت نفس:** خداوند آدمی را در جهان، منزلتی برتر عطا فرموده و مورد تکریم خاص قرار داده و از مواهب و قابلیت‌های ویژه‌ای برخوردار ساخته است.^۱ اگر تعلیم و تربیت، منزلت آدمی را به نیکی به وی نشانساند، دچار آسیب است، چه رسد به آن که او را قربانی ابزارها سازد.

د) **فصل دنیا و عقبی:** اسلام دنیا و آخرت را پیوند می‌زند و یکی را مقدمه دیگری می‌خواند، قرآن کریم، دنیا را آزمایشگاه تفکیک پاکان از پلیدان و بیداردلان از غافلان می‌شمارد. از نظر اسلام، دنیا؛ چه کم و چه زیاد آن، نباید مورد توجه استقلالی قرار گیرد.^۲

ه) **فروکاهش بینش:** انسان از توانایی شناختی برخوردار است. فروکاهش جایگاه بینش و دقایق روان را به سایر ابعاد آدمی و خام‌اندیشی و کوتاه‌نگری در این عرصه، کشتی دین‌پروری را به ساحل نمی‌رساند. اگر تعلیم و تربیت دینی، روحیه تعقل و استفاده بهینه از این نعمت را فراهم نسازد و فهم دینی آنان را از سطح حدس و شک به سقف اطمینان و یقین سوق ندهد از مبنای خویش دور شده است.^۳ خداوند افزون بر توجه به منزلت خرد و توانش‌های شناختی، از موانع این مسیر نیز برداشته و در این میان به عواملی چون: پایبندی به اندیشه‌های کهنه^۴، کافی نبودن استانداردهای مدرک^۵، و موضع‌گیری‌های انفعالی و عاطفی اشاره کرده است.

و) **ساده‌نگری گرایش:** روان انسان از ابعاد بینش و گرایشی برخوردار است و کنش‌های انسان، خاستگاه‌های آشکار و نهان در لایه‌های سطحی و گرایشی وی دارد. نگاه ماشینی به وی و غفلت از زوایای روانی او در تعلیم و تربیت، آسیبی است که کمترین بهای آن شکست کامل در وصول به مقصد است. امیال و عواطف، قدرت شعاع‌آوری در جهت‌دهی آدمی

۱ الاسراء: ۱ و لقد کَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ جَعَلْنَاهُمْ فِي الْاَبرُ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (۷۰)

۲ مرکز مطالعات تربیت اسلامی، روش‌شناسی تربیت، tarbiateslami.com، ۱۳۸۰ش

۳ مرکز مطالعات تربیت اسلامی، روش‌شناسی تربیت، همان

۴ یونس: ۷۸، زخرف: ۲۲-۲۳، مائده: ۱۰۴

۵ اسراء: ۳۶، حج: ۸

۶ قصص: ۵۰، نساء: ۱۳۵

دارند، تا جایی که حتی اندیشه‌ورزی نیز خودآگاه یا ناخودآگاه از آن تبعیت کند.^۱ این روایت نشان می‌دهد که امیال می‌توانند در نظام‌شناختی آدمی تأثیر گذار باشد.^۲

ز) کاستی فهم جایگاه اراده و کنش: اراده، مقدمه کنش و رفتار است و رفتار، مهم‌ترین ابزار سیر و حرکت انسان به سوی کمال و سعادت، یا فرو غلطیدن در دره هلاکت و شقاوت است. خداوند در آیات متعددی فراز و فرود معنوی آدمی را رهین رفتارهای ارادی او دانسته است.^۳ بنابراین عدم توجه به نحوه ظهور و تقویت اراده و رفتار انسان، او را به بی‌راهه می‌کشاند.

ح) غفلت از حصار محدودیت‌ها: انسان در حصار انواع محدودیت‌ها گرفتار است: جسمی (ضعف، بیماری)، شناختی (جهل بسیط، جهل مرکب، تعصبات و خرافات)، گرایشی (تمایلات نفسانی صفات ناپسند)، رفتاری (عادات نامطلوب، رفتار ناپه‌نجا). او در هر یک از این ابعاد، قابلیت تأثیرپذیری از برائت و محیط را دارد.^۴

ط) غفلت از واقعیات متدین: ارزش دینی: یکی از آسیب‌های مبنایی که می‌تواند دامن آموزش دینی را آلوده سازد، کاستی در فهم چیستی آموزش دینی و یکسان‌انگاری آن با آموزش غیردینی است. یکی از خصائص علم دین عبارتند از: اختلاط با اهداف تربیتی، اصطکاک با تعصبات‌های قومی، عقاید خرافاتی و زیاده‌طلبی‌های مادی و دنیوی سلطه‌جویان، مقابله با موج گسترده دین‌گریزی دوران رنسانس و مدرنیسم غرب و شنا در مقابل حرکت موج.^۵

ی) فروکاهش واقعیات ویژه تربیت دینی: تربیت دینی، به شکل‌دهی روان، فکر، استعداد و رفتار انسان بر طبق نظام ارزش الهی و همانندسازی با "نوهای کامیاب بشری"

^۱ کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۲، ص ۱۳۶، امام صادق (ع) حب الدنيا یعمی و یضم و یبکم

^۲ مرکز مطالعات تربیت اسلامی، همان

^۳ بقره... لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ (۲۸۶)،... وَ وَفَّيْتُ كُلَّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يَظْلُمُونَ (۲۵) ابراهیم: لِنَجْزِيَّ اللَّهَ كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ (۵۱)

^۴ مرکز مطالعات تربیت اسلامی، روش‌شناسی تربیت، همان

^۵ مرکز مطالعات تربیت اسلامی، روش‌شناسی تربیت، همان

امامان (ع) اهتمام دارد. این مهم در سایه سامان بخشی شخصیت الهی فرد در ابعاد گوناگون و کسب مهارت های ویژه در تعامل با خدا، خود و محیط حاصل می شود.^۱

آسیب های بنایی در برابر آسیب های مبنایی است و منظور آن، انواع آفات است که به رغم پذیرش مبانی معرفت شناختی، جهان شناختی، انسان شناختی و ارزش شناختی و توجه به آن ها می تواند دامن تعلیم و تربیت دینی را آلوده سازد. چرا که پذیرش مبانی بدون رعایت شیوه و ابزارهای لازم در عمل به نتیجه نمی انجامد. بدین ترتیب، آسیب های بنایی شامل انواع آفات ممکن در اصول، اهداف، روش ها و ابزارها می شود.^۲

و اما آسیب های آموزشی به هفت گروه: اهداف آسیب زا، روش های آسیب زا، فقدان ابزارهای کارآمد، محروای آسیب زا، فضای آسیب زا، ویژگی های آسیب زا، معلم، کاستی های زمامداران تعلیم و تربیت کشور، تقسیم می شود.^۳

از اهداف آسیب زا که درخت تعلیم و تربیت دینی را می خشکاند و از ثمردهی بازمی دارد، می توان به (۱) غفلت از اهداف دینی که مهم ترین هدف آن، حضور خداوند در متن زندگی است.^۴ (۲) اهداف آموزشی عام، از پرورش، یعنی در جامعه ای که دین در آن به خوبی آموزش داده شده است، قطعاً فرزند دینی حاکم می شود در غیر این صورت کارآمدی آموزش های دینی مورد تردید و تامل است.^۵ (۳) مادی نگری و ظاهری بینی^۶ اشاره نمود.

از روش های آسیب زا که آموزش دینی را بی جان، بی اثر یا کم اثر می سازد، می توان به (۱) آموزش یکنواخت و بی حرکت (۲) آموزش غیرعقلانی (۳) آموزش مرده، به این معنا که آموزش های دینی رایج، اغلب تاریک و بی جان است. در حالی که پژوهش های روان شناختی

۱ مرکز مطالعات تربیت اسلامی، روش شناسی تربیت، همان

۲ مرکز مطالعات تربیت اسلامی، روش شناسی تربیت، همان

۳ مرکز مطالعات تربیت اسلامی، روش شناسی تربیت، همان

۴ الفجر: يَأْتِيهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ (۲۷) اَرْجِعِي اِلَى رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً (۲۸) فَاَدْخَلِي فِي عِبَادِي (۲۹) وَاَدْخَلِي جَنَّتِي (۳۰)

۵ الحجّ الَّذِينَ اِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْاَرْضِ اَقَامُوا الصَّلَاةَ وَءَاتَوْا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلّٰهِ عَقِيبَةُ الْاُمُورِ (۴۱)

۶ الحجرات: ... اِنْ اَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللّٰهِ اَتْقٰىكُمْ اِنَّ اللّٰهَ عَلِيْمٌ خَبِيْرٌ (۱۳)

۷ دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، پژوهشکده علوم رفتاری شامل گروه های روان شناسی، علوم تربیتی، فلسفه علوم

انسانی، ۱۳۷۶ ش

از تأثیر شگرف ارتباط گیری زنده و روشن حکایت دارد^۱. (۴) فقدان ممارست (۵) روش تحکم و تحمیل نه حکمت و تحلیل^۲. (۶) روش نهی از اقناع^۳ (۷) روش تبیین غیردلنشین و فطرت ستیز^۴ (۸) غفلت از شیوه مناظره و احترام به نظر مخالف^۵ (۹) غفلت از ابزارهای هنری در آموزش (۱۰) غفلت از زبان تمثیل^۶ (۱۱) کاستی نقش مدارس (۱۲) فقدان طرح و تدبیر و متن منسجم، اشاره نمود^۷.

از محتوای آسیب زای آموزش که به فرجام ناخوشایند دین گریزی و قرآن ستیزی می انجامد، می توان به (۱) ارایه فهم معیوب از دین؛ یعنی دین در دو عزلت، دین مرگ و وحشت، دین رنج و زحمت، دین قهر و خشونت (۲) غفلت از کارکردهای فردی و اجتماعی دین^۸ چرا که

^۱ پرتکانیس، آنتونی و آنتونین، اله عصر تبلیغات، ترجمه: کاووس سید امامی - محمد صادق عباسی، ۱۳۸۰
^۲ الجانیه: هَذَا نَصَانُ لِلنَّاسِ بِدَلَى: رَحْمَةُ أَزْمِ يَوْفُونَ (۲۰) / يوسف: قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۱۰۸)

^۳ الحج: يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْغَيْبِ فَاِئْتُوا فُلُقَاتِكُمْ مِّن ثَرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِن عَلَقَةٍ ثُمَّ مِن مُّضْغَةٍ مُّخْلَقَةٍ وَغَيْرِ مُخْلَقَةٍ لَّنَبِّئَنَّكُمْ وَ تَعْرِ فِي الْأَرْحَامِ مَا تَشَاءُونَ أَجَلٌ سَعَىٰ نَخْرُجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِنَبْلُوَكُمْ أَشَدَّكُمْ وَ يَنْفَعُ مَن يَنْفَعُ وَ يَنْفَعُ مَن يَرُدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لَنُبَلِّغَنَّكُمْ مِّنْ غَدٍ عِلْمٌ وَ تَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَ رَبَّتْ وَ أَنْبَتَتْ مِن كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ (۵)

^۴ قیامت: لَن يُرِيدَ الْإِنْسَانُ لِنَفْسِهِ أَجْزَاءً (۵)

^۵ بقره: وَ قَالُوا لَن يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَن كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَىٰ تِلْكَ الْأَشْجُمُ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۱۱۱) / انبیاء: أَمْ اتَّخَذُوا مِن دُونِهِ آلِهَةً قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ هَذَا ذِكْرٌ مِّن مَّعْنَىٰ وَ ذِكْرٌ مِّن قَوْلِي بِأَنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقُّ فَهَم مُّغْرَضُونَ (۲۴)

^۶ اسراء: وَ لَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِن كُلِّ مَثَلٍ قَابِیْ أَكْثَرَ النَّاسِ إِلَّا كَثُورًا (۱۰۱) / کهات: وَ أَنْزَلْنَا صُرْفًا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِن كُلِّ مَثَلٍ وَ كَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا (۵۴)

^۷ مرکز مطالعات تربیت اسلامی، روش شناسی تربیت، همان

^۸ مرکز مطالعات تربیت اسلامی، روش شناسی تربیت، همان، بقره: يَا أَيُّهَا النَّاسُ احْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَ الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۲۱) وَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا حُبِّ عَلَيْهِمُ الصَّيَامُ كَمَا حُبَّ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۱۸۳) / العنکبوت: ... وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ لَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ (۴۵) / المائدة: ائْتِلْ مَا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَ الْمَيْسِرُ وَ الْأَنْصَابُ وَ الْأَزْلَامُ رَجَسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۹۰) / إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَن يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَ الْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ وَ يَصُدَّكُمْ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ وَ عَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُّنتَهُونَ (۹۱) / النور: قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَٰلِكَ أَرَادَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (۳۰) / النوح: وَ يُعَذِّبْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ يُجْعَلَ لَكُمْ جَنَازٍ وَ يُجْعَلَ لَكُمْ أَنْهَارًا (۱۲)

دین با ارایه راه اعتدال، رفع نیازهای فطری، سلامت نفس و تکامل اخلاق، امور مادی فردی، نظام اجتماعی، سنخیت دارد. (۳) عدم پاسخگویی به پرسش‌های دینی جوانان از قبیل؛ پرسش‌های مقتضای رشد ستی و طبیعی، پرسش‌های مقتضای فرهنگ و اجتماع. (۴) غفلت از تقویت توان دفاعی، منابع آموزشی متضاد (۵) عدم ارایه آموزه‌های رفتاری (۶) غیرکمال بخش (۷) غلبه منع بر جواز (۸) غیرجامع نگری (۹) خاص نگری (۱۰) کهنه‌گرایی؛ از قبیل: سنت‌مداری ناروا، التقاط‌گرایی، خلط رأی و عمل و ... اشاره نمود.^۱

حال؛ با این آسیب‌شناسی برشمرده شده که بیان‌گر واقعیت تلخ در امر تعلیم و تربیت دینی می‌باشد، چرا نباید با زدودن آسیب‌های ذکر شده و بازگشت به تعلیم و تربیت اصیل اسلامی - یعنی، درصدد شناخت شیطان و راه‌های مقابله با آن با بهره‌مندی از آیات قرآن برآییم؟ قرآنی که به خوبی و به ظرافت تمام؛ ماهیت، رفتار، عملکرد و راه‌های مقابله با شیطان و... را در تمام شقوق آن بیان و تشریح نموده است. قرآنی که از رابطه متقابل رفتار خارجی و وضعیت قلب سر می‌دهد.^۲ چرا نباید از شناخت دشمنی که از روز پیدایش بشر تا روزی که بساط زندگی بشر رچیده می‌شود و حتی پس از مردنش هم دست از گریبان او برنمی‌دارد و تا در عذاب جاویدانه عیش و نشاط نیندازد، آرام نمی‌گیرد، غافل باشیم. آیا نباید فهمید، این چه موجود عجیبی است که در بین اینکه همه حواسش جمع گمراه کردن یکی از ماست، عیناً به همان صورت و در همان وقت، سرگرم گمراه ساختن همه فرزندان نوع بشر است؟ در عین حال که از آشکار هم، با خبر است از نهان آنان نیز اطلاع دارد، حتی از نهفته‌ترین و پوشیده‌ترین افکاری که در زوایای ذهن و فکر آدمی جای دارد با خبر است، مشغول دسیسه کردن در آن افکار و گمراه ساختن صاحب آن‌ها می‌باشد.

به عقیده صاحب‌المیزان اهمال و کوتاهی مفسرین در این موضوع نیز، جدی و حقیقی است و بی‌بند و باری آن‌ها در اشکال و جواب به حذی رسید که در حربه اشکالات مرتبط با شیطان، بعضی از آن‌ها به خود جرأت دادند که صرفاً موضوع داستان آدم و شیطان را داستانی خیالی محض، تلقی نمایند و یا بگویند مقصود از ابلیس، قوه‌ای است که آدمی را به شر و فساد دعوت می‌کند یا بگویند صدور فعل قبیح از خداوند جایز است. و

۱ دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، پژوهشکده علوم رفتاری شامل گروه‌های روان‌شناسی، علوم تربیتی، فلسفه علوم

انسانی، همان

۲ کَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۱۴) لِيَمَّا تَقْضِيهِمْ مِثْقَلُهُمْ ثِيَابًا هُمْ لَوَاقِمٌ وَ جَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً (۱۳)

همه گناهان از ناحیه خود اوست و اوست آنچه را درست کرده خراب می‌کند. یا اینکه بگویند آدم (ع) اصلاً از زمره پیامبران نبوده و یا به طور کلی انبیاء، معصوم از گناه نیستند و یا قبل از بعثت، معصوم نیستند. و آدم (ع) آن موقع که نافرمانی کرد، مبعوث نشده بود. و یا بگویند همه این صحنه‌ها برای امتحان بوده است.^۱

همچنین؛ در دوره‌ای که تهاجم فرهنگی و تأثیر فرهنگ غرب، انسان امروزی را دائم به گرایش‌های شیطانی و ضد انسانی، وسوسه و دعوت می‌کند و ذهن او را از توجه به ماوراء بازمی‌دارد، مباحث عرفانی و آموزه‌های قرآنی در جهت بازشناسی سؤال‌های اساسی اعتقادی می‌تواند، انسان‌هایی را که راه خود را گم کرده‌اند، به صراط مستقیم، هدایت کند و او را به افق‌های وسیع‌تر و روشن‌تری سوق دهد. این تفهیم و تفهیم امکان‌پذیر نمی‌باشد، مگر با درک آموزه‌های تعمیق قرآنی و اشارات عارفان راستین مسلک از یک سو و از سوی دیگر شناسایی و شناختن عارفان‌های دروغین و وارداتی که امروزه در انحراف افراد متخلف جامعه، به گونه جدی اثر دارند. در این میان، شیطان پرستی نحله‌ای نوظهور است که از این معادله مستثنی نمی‌باشد. این نحله، با ستیزی روزافزون، همراه با فرق باطل دیگر، سعی در از میان بردن معارف الهی و جایگزین ساختن انکار و عقاید باطل و سخیف در میان افراد جامعه به خصوص جوانان دارند.

همچنین این تفکر در جامعه ما و دیگر جوامع اسلامی وجود دارد که پرداختن به پدیده شیطان گرایی/ پرستی باعث گسترش این پدیده و تبلیغ شیعی برای شیطان پرستان خواهد بود. اما به نظر می‌رسد روشن‌گری و تنویر افکار عمومی به صورت علمی و متناسب با سطح و نیاز مخاطب و آنچه که در باب تعلیم و تربیت دینی- اسلامی اذعان شد، در راستای پیش‌گیری و مقابله با این پدیده، امری لازم و اجتناب‌ناپذیر است. البته بهره‌مندی و پژوهش کاربردی از آیات قرآنی مرتبط در این حوزه که به تفصیل در تفاسیر مختلف بدان پرداخته شده است، نقش بی‌بدیلی را در شناخت و مبارزه با شیطان و شیطان پرستی ایفاء می‌نماید. در اهمیت و ضرورت پژوهش قرآنی، دلایلی زیادی وجود دارد که به ذکر نکاتی از آن اکتفا می‌کنیم:

۱ مؤسسه تدبیر و تفکر خلّاق قرآنی، طباطبائی، استناد به تفاسیر؛ القرطبی، ج ۴، ص ۲۶۱ و الکبیر، ج ۲، ص ۱۷۷ و ج ۱۴، ص ۳۹ و المنار؛ ج ۱ ص ۲۶۷ و ج ۸ ص ۳۵۳، ج ۸، ص ۳۵۴ و مجمع البیان، ج ۴، ص ۶۵

الف) بر اساس قاعده عقلی «الإنسانُ خَرِصٌ عَلَى ما مَنَعَ» انسان ذاتاً موجودی است که اگر از جستجو در یک موضوع و پی بردن به آن نهی یا مسأله‌ای برایش مطرح شود و مبهم بماند، سعی و تلاش دو چندان برای فهم موضوع خواهد نمود.

ب) این نظر که شیطان پرستی پدیده قابل اعتنایی نیست و نباید به طور مستقیم در جامعه به آن اشاره و پرداخته شود به طور حتم توسط مروّجان و ایدئولوژیست‌های شیطان‌گرایی در اذهان مردم القاء شده است تا فضای راحت‌تری برای فعالیت آنها به وجود آید...

ج) آن چه مسلم است؛ جریان شیطان‌گرایی در کشور ما و در تمام دنیا یک انگیزه و جهت‌گیری سراسری دارد و قدرت‌های بزرگ از آن حمایت می‌کنند و صرف هزینه‌های کلان جهت راه‌اندازی و ترویج این نحله انحرافی، خود مؤید این مدعاست.

از سوی دیگر مبنای بنیاد و اعتقادات یهود عمده‌ترین عامل ایجاد نحله فاسد شیطان‌پرستی بوده است. صهیونیسم با تکیه بر سرمایه‌داران بزرگ خود و با صرف مبالغ هنگفت دست به ساخت این ترین ما زده و همواره به طور عمدی تلاش می‌کند تا نمادها و مناسک موجود در آئین یهود را در این فرقه‌ها تعمیم دهد تا علاوه بر در دست داشتن رشته کنترل آن‌ها همواره تصویر با هیبت و نفوذی را از خود در اذهان جهانیان به جا گذارد. البته رفتارهای صهیونیست‌ها که باعث تند شدن آنها به هسته‌ای خاص و منسجم در دل جامعه یهودی شده است همواره مورد تایید کلیت یهودیان نبوده و ریشه در محافظ ثروت و قدرت جهانی دارد.

فیما بین صهیونیسم با فراماسونری و همچنین شیطان‌پرستی با فراماسونری و نهایتاً بین این سه طیف ارتباط مستقیم، منسجم و بسیار پیچیده، همان‌طور که مخوفی برقرار است، به طوری که فصل مشترک و کلید واژگان این جریان‌ها، اِلَهِ، مَهرِ، دین‌داری، اِصَالَتِ لَدُنْ، انسان‌محوری (اومانیسم) و پوچ‌گرایی (نیهیلیسم) است.

بنابراین؛ این جریان‌ها که با محوریت شیطان‌گرایی و تفکراتی چون اومانیسم و نیهیلیسم همراه است در واقع هدفی جزء براندازی تدریجی نظام دینی و حذف دین از عرصه‌های سیاسی و اجتماعی را در سر نمی‌پرورانند. و چنان‌چه در تبیین ماهیت، عوامل و علل شکل‌گیری، اهداف و... این نحله انحرافی به پژوهش‌های سطحی، غیر علمی و مبهم بسنده شود، نه تنها مانع ترویج این تفکر در بین جوامع اسلامی نخواهد شد، بلکه بر اساس حسن کنجکاوی ذاتی و اشتیاق فراوان انسان‌ها به آگاهی از این قبیل موضوع‌ها، زمینه رجوع آحاد

مسلمانان به منابع و مراکز اشاعه شیطان پرستی ایجاد خواهد شد و بدیهی است نظر به ضعف عامه مردم در تجزیه و تحلیل و آسیب شناسی پدیده های این چنینی، موجبات گرایش آن ها به شیطان و جریان فکری شیطان پرستی فراهم خواهد شد. بنابراین؛ این نابسامانی و عدم انسجام از یک سو و پرداختن بیش از اندازه به مسایل کلیشه ای و کلی و همچنین نبودن درک صحیح و منطقی از شرایط موجود کشور عزیزمان ایران و جهان و... از سوی دیگر، این جانب را بر آن داشت تا با تحقیق و نگرشی جامع و اساسی به این مهم بپردازم.

www.ketab.ir